

یادگیری مشارکتی

بررسی ها نشان داده است دانش آموزان و دانشجویانی که به صورت گروهی فعالیت می کنند، در برابر دانش-آموزان و دانشجویانی که به صورت فردی فعالیت های خود را انجام می دهند، بیشتر یاد می گیرند، عمیق تر یاد می گیرند، نگرش مثبت تری نسبت به موضوع درس دارند، و اطمینان بیشتری نسبت به خود پیدا می کنند. البته این روش نباید باعث شود تا تعدادی از دانش آموزان به تنبلی روی آورده و تمام مسئولیت کار گروهی را بر دوش فرد دیگر بیندازند و فرد دیگر هم برای کسب نمره، مجبور به انجام تمامی کارها باشد! استفاده مناسب از این روش نیازمند به توجه به نکاتی می باشد که در این نوشته به آنها اشاره نمی نماییم.

یادگیری مسئله محور

آموزش به سبک سنتی آن به این صورت است که ابتدا دانش آموز با مباحث درسی آشنا می شود و بعد از مدت بسیار طولانی با کاربردهای علمی که فراگرفته است، آشنا می شود. این روش مشابه آن چیزی نیست که بشر معمولاً برای کسب دانش و مهارت به کار می بندد. در زندگی روزمره فرد ابتدا با مسئله ای که نیاز دارد روبرو می شود و سپس برای حل آن کوشش می کند. در واقع انسان وقتی مطالب را به نحو موثرتری یاد می گیرد که به یادگیری آن مطالب احساس نیاز کند. اما متأسفانه در مدارس چنین اتفاقی نمی افتد. دانش آموزان بدون اینکه فایده یاد گرفتن مطالب را بدانند، مجبور به یادگیری آنها هستند. به همین جهت به آموزش علاقه ندارند و معلمان و والدین آنها را مجبور به یادگیری می کنند.

یک نگرش متفاوت و موثرتر آموزش این است که ابتدا سوال یا مسئله ای برای دانش آموزان طرح می شود. این سوال قبل از آن مطرح می شود که تمام آن چیزی که برای حل آن مسئله لازم است را به دانش آموز یاد داده باشیم. پس از آنکه دانش آموز متوجه شد چرا به یاد گرفتن آن مطلب درسی نیاز دارد، آن مطلب به او آموزش داده می شود.

روش توضیحی

انتقال مستقیم اطلاعات به فراگیران با استفاده از متن های آموزشی چاپ شده و یا سخنرانی را روش توضیحی می نامند. در این روش، معلم، مطالب را به صورت منسجم و مدون به شاگردان منتقل می کند و آنان نیز آن مطالب را یا به ذهن می سپارند و یا یادداشت برداری می کنند و پرسش و پاسخ در این روش جایگاهی ندارد. از ویژگی های مثبت این روش، صرف جویی در وقت و امکانات آموزشی، ایجاد تمرکز در شاگردان جهت یادداشت

برداری و تقویت بیان معلم است. البته این روش مشکلاتی را نیز به همراه دارد که از آن جمله می توان به خستگی شاگردان از یکنواختی کلاس، عدم امکان تفکر فراگیران و در نظر نگرفتن تفاوت های فردی شاگردان اشاره کرد. برای حل این مشکلات و ایجاد جذابیت در روش مذکور باید نکات زیر را در نظر گرفت:

- توضیحات معلم، روشن، دقیق و قابل درک باشد. برای این منظور می توان از مثال زدن، تصویرسازی ذهنی، فیلم و یا سایر وسایل توضیح دادن استفاده کرد.
- برجسته نمایی در نکات اساسی و اصلی متن آموزشی صورت گیرد. در واقع معلم باید به این پرسش پاسخ دهد که «چه چیزی بیشترین اهمیت را دارد؟» و همان مطلب را با تأکید و تکرار برجسته کند.
- تنوع رفتاری معلم و تغییر آهنگ صدا در موارد خاص و توجه به سئوالات فراگیران و پاسخگویی به آنها در قالب همین روش توضیحی و درون متنی، باعث میشود که از یکنواختی کلاس بکاهد.
- مهارت توضیح معلم هم از سوی فراگیران و با واسطه ی نهاد آموزشی در مؤسسه و هم با «خود تحلیلی» معلم ارزشیابی شود.

روش تدریس نو آفرینی (بدیعه پنداری):

در این روش معلم از دانش آموزان می خواهد که به توصیف و تشریح موضوع یا مفهوم مورد نظر بپردازد و هریک مفاهیمی مربوط به موضوع ارائه دهند (بارش مغزی) و سپس در مرحله بعد دانش آموزان بایستی مقیاسهای مستقیم پیشنهاد کنند که با ثبت و فهرست از همه ایده ها در باره موضوع انجام می شود . سپس با توجه به فهرست ایده های موجود هر یک از افراد گروه بایستی ایده های جدید بسازد . مرحله بعدی مرحله تعارض فشرده است که با توجه به تشریح مثبت و منفی یک پدیده در کنار هم بدست می آید و سپس با کمک هر یک از گروهها مفاهیم کلیدی و دقیق درسی بیرون کشیده شده و به تعریف پدیده مورد نظر می پردازند. (احدیان - ۱۳۷۸ - ص ۲۳۹)

روش شبیه سازی :

درسی از یک موقعیت مبتنی بر تجارب قبلی دانش آموزان ارائه می گردد و سپس از آنان خواسته می شود که مدلی از واقعیتهای تازه ای که در درس جدید مورد مطالعه می شناخته اند بسازند. (بعنوان مثال مدل مولکولی مولکولهایی که تا کنون می شناخته اند ساخته و سپس حالت های دیگری از پیوند اتمها را برای ساختن مولکولهای تازه ایجاد نمایند)

فعال بودن و مرتبط بودن با تجربه دانش آموزان - یادگیری عمیق - تقویت روحیه همکاری - مرتبط شدن مفاهیم و پدیده های علمی با واقعیات زندگی روز مره از محاسن این روش بوده و وقت گیر بودن - عدم کاربرد در همه موضوعات درسی و بر هم خوردن نظم کلاس از جمله محدودیتهای آن هستند. (کرامتی، ۱۳۸۲- ص ۸۹)

روش تدریس ساخت گرایی :

در این روش یاد گیرنده با استفاده از همه حواس خود به منظور ساخت دانش تلاش می کند . بخشی از دانش سازی در طی فرآیند کاوش صورت می گیرد . تعامل معلم با دانش آموزان و کاوشگری از طریق همیاری بیشترین سود مندی را عاید می کند .

در مرحله دوم تشریح و تعامل معلم با گروه های دانش آموزان است . سپس مرحله گسترش که در آن اندیشه ها و فعالیتهای ذهنی سازماندهی می گردد و در مرحله آخر ارزشیابی از یافته ها و مهارتهای اکتسابی دانش آموزان و بازخورد به فراگیران توسط معلم انجام میگیرد . افزون بر این دانش آموزان باید به خود ارزشیابی نیز هدایت گردند (احدیان محمد - ۱۳۷۸ - ص ۱۹۲ - ۱۹۶)

ویژگی های معلم موفق

یکی از مباحث مهم در روش تدریس، ویژگی های معلم است که در نوع ارتباط و با فراگیران و ایجاد یادگیری بسیار مؤثر است. به نظر می رسد که خصوصیات معلم را می توان در دو بخش مورد بحث و بررسی قرار داد:

الف) ویژگی های نفسانی:

از جمله ویژگی های نفسانی معلم می توان به اخلاص اشاره نمود. معلم مخلص، مشکلات را برای رضای خدا تحمل کرده، با نگرش الهی به مسائل می نگرد. او به شاگردان خود از آن جهت که محتاج تعلیم و هدایت هستند و خداوند بزرگ آنها را به دانایان قوم سپرده است، می نگرد و همچون مادر یا پدری دلسوز برای حل مسائل و مشکلات آنان تلاش می کند. تواضع صفت دیگری است که موجب جذب شاگردان می شود، زیرا کسی که متواضع باشد، خداوند او را در مقام بالایی قرار می دهد (رفعه الله من تواضع و وضعه الله من تکبر). معمولاً هر چه میزان دانایی و علم افراد بالا می رود، تواضع آنان نیز بیشتر می شود، زیرا دانسته های خود را با ندانسته ها مقایسه می کنند و می فهمند که جهل شان بیش از علم شان است، چنان که سقراط حکیم می گفت: من عالم ترین انسان ها به جهل خویش هستم .

عزت نفس و به عبارتی اعتماد به نفس نیز از ویژگی های نفسانی معلم است که باید در وجود خود نهادینه سازد. هر فردی با کم کردن فاصله ی خود «واقعی» خویش و خود «ایده آل» می تواند میزان عزت نفس خود را افزوده، از خودکم بینی و کم رویی نجات یابد.

طهارت روح نیز از ویژگی های نفسانی معلم است که با دائم الوضو بودن و ارتباط های متعالی با منابع معنوی می تواند این ویژگی را ایجاد کند و یا تقویت بخشد. صفای باطن معلم باعث صدور انرژی معنوی از سوی او به فراگیران می شود و موجب می گردد که ارتباط روحی و عاطفی برقرار شود و در نتیجه، به امر یادگیری سرعت بخشد. آرامش و طمأنینه که در وقار و متانت معلم نمود می یابد، ویژگی دیگری از این دست است. خلاقیت و زایش ذهنی نیز از ویژگی های نفسانی معلم است که بر اثر مطالعه ی زیاد و ارتباطات انسانی و تفکر به نقطه ی اوج می رسد و محبوبیت او را نزد فراگیران دوچندان می کند. موارد دیگری همچون صبر و شکیبایی، قاطعیت و خونسردی نیز وجود دارد؟:

ب) ویژگی های رفتاری

برخی از ویژگی های معلم مربوط به رفتار اوست. برای مثال، اعتدال رفتاری و دوری از افراط و تفریط در کلیه ی امور مربوط به آموزش و پرورش از جمله ویژگی های رفتاری معلم است که در او مشاهده می شود. ابراز مهر و محبت و علاقه نسبت به شاگردان و همکاران نیز از ویژگی های بارز یک معلم است که بازتاب این رفتار مهرآمیز، به تعیین علاقه مندی و ابراز و اظهار محبت از سوی طرف مقابل است. این رفتار موجب حکومت معلم بر قلب شاگردان می شود و مصداق بارز مثل معروفی است که «حاکم بر قلب ها باش تا بر اندیشه ها حکومت کنی» خوش رفتاری و خوش ارتباطی نیز از ویژگی های رفتاری معلم به شمار می رود و گمانه زنی شاگردان را به سود و سوی او سوق می دهد.

ادب و رفتار مؤدبانه ویژگی دیگری است که در رفتار معلم باید مشاهده شود. اگر چه «ادب» حاصل سال ها تربیت خانوادگی است، اما از طریق تمرین و اکتساب می توان رفتارهایی مؤدبانه از خویش نشان داد و به حدود و حقوق دیگران احترام گذاشت و خود را مقدم بر غیر ندانست.

آراستگی ظاهری و دوری از بی نظمی و آشفتگی، چه در لباس و نوع پوشش و چه در وسایل شخصی همچون کتاب، جزوه و یا برگه های مربوط به طرح درسی، نیز در تبیین شخصیت معلم بسیار مؤثر است و باید در این موارد سعی فراوان شود، زیرا ویژگیهای مهم معلم، نظم و آراستگی اوست.

از دیگر ویژگی های معلم، بالا بودن سطح علمی اوست. بدیهی است که معلمان آگاه به دانش های متعدد و متنوع،

بیش از معلمانی که تنها در حد متن آموزشی مورد نظر آگاهی دارند، مورد توجه قرار می گیرند. آگاهی های سیاسی اجتماعی، عرفانی، اخلاقی، علمی و اطلاعات عمومی از موارد ضروری است که معلم باید آنها را به دست آورد.

البته ویژگی های دیگری نیز وجود دارد که یا زیرمجموعه ی فوق قرار می گیرند و یا به علت عمومیت و روش بودن، از آنها چشم می پوشیم. درخاتمه باید گفت که معلمان با تلاش و همت و توسل به اهل بیت عصمت و طهارت(ع) می توانند خود را به این ویژگی ها بیارایند.

عوامل مؤثر بر تدریس

عوامل مؤثر در تدریس عبارتند از:

۱- ویژگی های شخصیتی و علمی معلم

الف) ویژگی های شخصیتی معلم و نقش آن در تدریس، بر اساس روابط معلم نسبت به شاگردان به دو گروه تقسیم می شوند :

معلمان شاگردنگر : این گروه از معلمان شاگردان را هسته مرکزی فعالیت خود قرار می دهند و آنان را محور اصلی فعالیتهای آموزشی می دانند ، که خود به دو دسته شاگرد نگر فردی که به ویژگی های فردی شاگردان توجه می کنند و شاگردنگر جمعی که به جمع شاگردان و پرورش جمعی آنها از طریق روانشناسی پرورشی توجه دارد .

معلمان درس نگر : این دسته از معلمان بیشتر به درس اهمیت می دهند تا به شاگردان . تمام کوشش این دسته بر این است که به هر طریق شده درس را به شاگردان انتقال دهند و شاگردان موظفند درس را خوب یاد بگیرند و به معلم پس بدهند که خود به دو گروه کوچکتر ”درس نگر علمی” و ”درس نگر فلسفی” تقسیم می شوند. در گروه درس نگر علمی بیشتر به رشته های علمی علاقمند هستند و در گروه درس نگر فلسفی بیشتر به مسائل کلی و اجتماعی می پردازند. در هر دو گروه بالا گرچه شاگردان همه رفتارو عقاید معلمان خود را اجرا می کنند ولی هیچگونه ابتکار و نوآوری از خود ندارند. از نظر نوع برخورد معلمان به دو دسته ی اقتدارطلب و رفاقت طلب نیز تقسیم بندی می توان کرد.

اقتدار طلب : رفتاری است که بیشتر دستوری و امرانه باشد که یا می تواند از روی دلسوزی و نیکخواهی و یا از روی بی اعتنائی صورت پذیرد.

ب) تاثیر شخصیت و رفتار معلم در فرآیند تدریس

برای شاگردان ، عمل و رفتار معلم معیار مناسبی است برای ارزشیابی مطالب و رهنمودهای او . بنابراین یک معلم خوب باید به شاگردانش درس انسانیت بیاموزد . معلم باید هنگام تدریس به همه شاگردان توجه کند و در تصمیم گیری ها از آنها نظر خواهی کند . معلم نباید عدالت را فراموش کند و بین شاگردان خود تبعیض قائل شود . معلم باید وقت شناس باشد ، معلم باید الگوی نظم و تربیت باشد و نیز وضع ظاهری و سخن گفتن معلم باید الگوی مناسبی برای شاگردانش باشد .

ج) تاثیر شخصیت علمی معلم بر فرآیند تدریس

معلم هر اندازه دارای رفتار انسانی مطلوبی باشد ولی از نظر علمی ضعیف و ناتوان تلقی شود ، مورد قبول شاگردان واقع نخواهد شد. معلمی از نظر علمی قوی است که به روشهای ارائه محتوا و چگونگی برقراری ارتباط آگاه و بر آنها مسلط باشد و این نیازمند مطالعه مستمر است . روش تدریس معلم باید متناسب با اصول آموزشی و پرورشی و خصوصیات شاگردان انتخاب شود . نقش دیگر معلم ایجاد رابطه و پیوند بین جامعه و مدرسه است . اگر آموزش رسمی با زندگی اجتماعی و حقیقی شاگردان ارتباط نداشته باشد چندان اهمیت و اعتباری نخواهد داشت و وظیفه معلم انجام این مهم است . یک معلم خوب علاوه برداشتن محتوای غنی علمی باید از فنون و مهارتهای آموزشی آگاه باشد . او باید قادر به تحلیل فرآیند آموزشی باشد و با استفاده از امکانات و تجهیزات موجود روش تدریس خود را انتخاب کند . زیرا معلمی که بر محتوا مسلط است ولی با روش های تدریس ناآشناست قادر به فراهم کردن موقعیت یادگیری برای شاگردان نیست .

۲- ویژگیهای شاگردان و تاثیر آن در فرآیند تدریس :

معلم نمی تواند بدون توجه به ویژگیهای شاگردان ، آنان را به کار کردن وادارد زیرا فعالیتهای عقلی، اخلاقی و اجتماعی شاگرد و تابع اراده معلم نیست . تدریس معلم باید براساس نیاز ، علاقه و تواناییهای ذهنی شاگردان تنظیم شود . البته به این معنا نیست که شاگردان هر چه دلشان خواست می توانند انجام دهند ، بلکه به این معناست که فعالیت و کار مدرسه باید مورد علاقه دلخواه شاگردان باشد . ساخت ذهنی ، هوش و تجربه های علمی شاگرد موضوع دیگری است که در روش تدریس باید به آن توجه شود . بنابراین یک معلم باید برنامه درسی ، نوع و مقدار تکلیف را بر اساس مراحل رشد ذهنی تواناییهای مختلف موقعیت اجتماعی و اخلاقی شاگردان پی ریزی کند .

۳- تاثیر برنامه و ساخت نظام آموزشی در فرآیند تدریس

ساخت نظام آموزشی هر جامعه اعم از نگرش ها ، باورها ، برنامه ها و آیین نامه ها نمی توانند روش تدریس معلم را تحت تاثیر قرار دهد . در ساخت نظام آموزشی ، دو برنامه ی متکی بر اصالت مواد درسی و برنامه هفتگی بر رشد همه جانبه شاگرد و چگونگی اجرای آنها تاثیرات متفاوتی را در فرآیند تدریس معلم می گذارند . در برنامه متکی به اصالت مواد درسی ، معلم آزادی عمل و ابتکار چندانی ندارد و او فقط سعی می کند به تعداد قبولی شاگردان بیافزاید حال آنکه در برنامه متکی بر رشد همه جانبه شاگرد معلم به علایق و نیازها و توانمندیهای شاگردان توجه می کنند . واضح است که او می تواند ابتکار و خلاقیت بیشتری در امر تدریس از خود نشان دهد.

۴- تاثیر فضا و تجهیزات آموزشی در فرآیند تدریس

معلم خوب در شرایط محدود نیز می تواند موثر واقع شود . اما شکی نیست که فضا و تجهیزات آموزشی مناسب در کیفیت تدریس معلم بسیار موثر است . کثرت شاگردان ، نداشتن میز و نیمکت ، عدم نور کافی ، نداشتن کتابخانه ، آزمایشگاه و می تواند روش تدریس معلم را دچار مشکل کند.

رویکرد های یادهی و یادگیری

تنظیم ساختار واحد درسی بر اساس « رخدادهای آموزشی گانیه » و مراحل سازماندهی رویکرد مشارکتی «دیوید و راجر جانسون» :

برنامه آموزشی باید به نحوی باشد که تجارب متعددی را به هم مربوط سازد. تدریس از نظر زمانی- مکانی- اهداف-محتوا و مخاطب به صورتهای متفاوتی طرح ریزی میشود. با این همه ساختار اساسی واحدی برای آموزش موجود است که تجارب یادگیری را شکل می دهد (احدیان - آقا زاده - ۱۳۸۸ - ص ۱۵۰)

به اعتقاد گانیه در هر راهبرد آموزشی باید مقدمه-زمینه و مؤخره ای وجود داشته باشد که آنها را «رخدادهای آموزشی» می نامیم (همان کتاب - ص ۱۵۲)

میتوان ساختار زیر را که تلفیقی از نظر گانیه و سازماندهی مبتنی بر همیاری است را در روند تدریس به روش همیارانه پیشنهاد نمود .

الف) « رخدادهای مربوط به مقدمه تدریس »

- جلب توجه فراگیران به اهداف درس و موضوع جدید
- تعیین تعداد و ترکیب گروه (که بهتر است بصورت نا همگن انتخاب شود)

- ارائه اطلاعات لازم و دستور کار به دانش آموزان جهت استفاده از مهارت‌های مورد نیاز در هنگام کار گروهی
- سازماندهی اتاق درس بصورتی که دانش آموزان براحتی با یکدیگر ارتباط برقرار کرده و از مواد آموزشی استفاده نمایند.

ب) «رخدادهای مربوط به پیکره درس»

- ارتباط تجربیات قبلی با موضوع درس جدید
- راهنمایی و تشویق فراگیران در ساخت و یادگیری مفاهیم بوسیله کار با وسایل و منابع موجود بصورت همیاری و همکاری.
- ایجاد وابستگی متقابل و علاقه در دانش آموزان در فعالیت با یکدیگر
- نظارت بر رفتار و مهارت‌های انجام کار گروهی دانش آموزان
- دادن فرصت آزمایش و خطا و بازخورد و راهنمایی دانش آموزان در طی فعالیتها
- نشان دادن راه عملی اجرا کردن فراگرفته ها و آموزش مهارت‌های همکاری و احساس مسئولیت در انجام تکالیف در دانش آموزان

ج) «رخدادهای مربوط به بخش جمع بندی و اختتام درس»

- جمع بندی و خلاصه آنچه در کار گروهی و فعالیت‌های درس انجام گرفته بوسیله گزارش کار گروهی (اختتام درس)
- سنجش میزان موفقیت گروه و ارزشیابی از کمیت و کیفیت یادگیری مفاهیم
- برآورد نحوه بهبود بخشیدن به عملکرد گروهی توسط اعضای گروهها و مربی و برنامه ریزی و پیشنهاد جهت انجام هر چه بهتر فعالیت ها توسط گروه و معلم و آمادگی برای اجرای و سازماندهی موضوع بعدی درس با تفکری نقاد و سازنده (تنظیم ساختار درسی - مؤلف)
- الگوهای آموزشی در واقع الگوهای یادگیری هستند . ما در حالی که به شاگردان در کسب اطلاعات - نظرات - مهارت‌ها-راههای تفکر و ابراز نظر خود کمک می کنیم ، نحوه یادگیری را نیز به آنان می آموزیم. در واقع استعداد افزوده شاگردان برای یادگیری آسان تر و موثر تر در آینده میتواند مهمترین نتیجه آموزش به علت دانش و مهارتی که کسب می کنندوبه علت چیرگی آنان برفرآیند های یادگیری باشد (بهرنگی - ۱۳۸۰ - ص ۳۱)